

## انتظار و نیاز بشر به دین

### نادر شکراللهی<sup>۱</sup>

#### چکیده

اولین نقطه پی‌ریزی باید کاملاً بیرون و حیانی باشد؛ پس نیازمند به تفسیری هستیم که بر پایه آن، نظام انتظار پیش رود. دو نگاه در بحث انتظار بشر از دین وجود دارد:

۱. زاویه توصیفی، به این معنا که تاکنون چه انتظاراتی از دین وجود داشته است؛

۲. سؤال دیگر این است که بگوییم چه انتظاری باید از دین داشت.

اگر از این زاویه وارد شویم که دین از بشر چه انتظاری دارد و در جواب، یک حداقلی را تعریف کنیم، ممکن است زمانی که وارد دین می‌شویم، نیازها بسیار شاخ‌وبرگ پیدا کنند و در اینجا است که یک شبکه به وجود می‌آید. برای دستیابی به الگوی پیشرفت از منظر قرآن، تلقی چنین است که نقطه شروع - یعنی جایی که می‌شود شروع کرد - این نیست که به‌عنوان نیاز بشر به دین شروع کنیم (به این معنا که کس دیگری نمی‌تواند به آن پاسخ دهد)؛ بلکه به این مفهوم است که بشر به یک بن‌بستی رسیده - اگر نگوییم بن‌بست، بلکه احساس ضعف در بعضی از الگوهای پیشرفت خود - و احتمال دارد به‌صورت احتمالی وارد شود. در تقسیم‌بندی کلی چنین است که اگر بنا بر پیشرفت خواهی یا عدالت خواهی یا هر چیز دیگری است، باید کانون آن، رازورزی باشد و راه رسیدن به این فرمول، بسط در منابع معرفتی است. باید منابع معرفت را توجیه معرفت‌شناختی شود، به اینکه منحصر در موارد خاص نیست. انتظاری که از متن دینی می‌رود، دو چیز است:

۱. کمک کند تا ما وراء طبیعت و طبیعت، از صرف رازبودن، بیرون بیاید و فرموله‌تر شود؛

۲. راه بسط معرفت دینی را به ما نشان دهد.

اشتباه تاریخی فیلسوفان این بوده است که بخش علمی را به‌طور کامل به فقه سپردند و صرفاً به مباحث حکمت نظری پرداختند.

**واژگان کلیدی:** پیشرفت، انتظار از دین، فلسفه دین، معرفت‌شناختی، الگوی پیشرفت.

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی.